



## مصدق و جبهه ملی در نوشته‌های تقی زاده

در شماره ۸، سال گذشته نظریات تقی زاده درباره مصدق نقل شد. اینک به دنبال آن، نوشته‌هایی از تقی زاده که در آنها عقایدی از او درباره مصدق و جبهه ملی مندرج است به چاپ می‌رسد. «آینده» در اینجا منحصرآ ناقل اسنادست. و نظری خاص و اهدافی بهیچوجه بهیچ‌یک از مطالب مطروحه ندارد.

میان دکتر محمد مصدق و تقی زاده در جریانهای سیاسی پس از شهریور ۱۳۳۵ اختلاف آراء بود، اگرچه در جریان تغییر سلطنت هر دو با تغییر قانون اساسی همگام مخالفت کردند. دکتر مصدق پس از شهریور بیست چندبار به موضوع امضای تمهید قرار داد نفت توسط تقی زاده اشاره و از آن به قاطعیت انتقاد کرد.

از جمله هنگامی که مصدق ضمن نطق ۲۲ فروردین ۱۳۳۵ در مجلس اشاره‌ای به تقی زاده کرد، تقی زاده مکتوبی در جواب مصدق نوشت که جنماً در جراید همان موقع چاپ شده است. در اینجا از روی سوادى که نزد همسر تقی زاده موجود بود به چاپ می‌رسد.

\*\*\*

از نوشته‌های مهم سندی تقی زاده درباره جبهه ملی نامه‌ای است که به وزیر دربار نوشته است و آوردن آن برای پژوهش مورخان تاریخ معاصر مؤثر تواند بود.

-۱-

### کلمه‌ای چند راجع به بیانات آقای دکتر مصدق در جلسه پنجشنبه ۲۲ فروردین مجلس شورای ملی

آقای دکتر مصدق از چندی باین طرف از گاهی به گاهی \* بیاناتی متضمن انتقاداتی نسبت باینجانب کرده و میکنند که چون اساس آنها مبنی بر اشتباه کامل و انحراف از حقایق بوده با اعتماد فهم و قضاوت عامه و وجدان ملی و تاحدی هم بر عایت دوستی قدیم

\* آینده: چند موردی که دکتر مصدق درباره تقی‌زاده و نفت اظهار نظر کرده بدین شرح است: الف- در جلسه ۷ آبان ۱۳۲۳ مجلس (دوره چهاردهم) به هنگام طرح مربوط به ممنوعیت نسبت به واگذاری امتیاز نفت: «هرگاه آقای تقی‌زاده که امتیازنامه را امضاء نموده‌اند و اطلاعات و سوابق زیادی در امور نفتی دارند نظریات خود را از تنظیم ماده مزبور (ماده ۲۶) اظهار کنند ظن قوی آن است که به پاس حقوق ایشان کمپانی موافقت کند و در موقع استفاده ایجاد اختلاف نشود.» (سیاست موازنه منفی جلد اول، ص ۱۷۶).

در دنباله همین نطق گفته است، «و تاریخ عالم نشان نمی‌دهد که یکی از افراد مملکت به وطن خود در یک معامله شانزده بیون و یکصد و بیست و هشت هزار ریال ضرر زده باشد و شاید مادر روزگار دیگر نراید کسی را که به بیگانه چنین خدمتی کند» (همان کتاب، ص ۱۷۷-۱۷۸). آقای دکتر جواد شیخ‌الاسلامی در مقاله «تقی‌زاده و قرارداد نفت» نوشته است که مصطفی فاتح شخصاً در جواب سؤال از دکتر مصدق راجع به این عبارت از وی شنیده است، «منظورم از جمله‌ای که در آن نطق به کار بردم تقی‌زاده نبود، بلکه کسی دیگر بود. منتها به احترام اعلی حضرت شاهنشاه فعلی نخواستم که مکتون ضمیر را صریحتر کنم.» (مجله یغما، سال سی و یکم، صفحه ۹).

ب- در نامه‌ای که مصدق مورخ ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ به مجلس نوشت (دوره شانزدهم) آمده است، «... اگر در مجلس مذاکراتی که به جار و جنجال و غوغا تغییر می‌شود نشده بود جناب آقای تقی‌زاده حاضر نمی‌شدند خیانت عظیمی را که در دوره دیکتاتوری به میهن عزیز ما شده بود فاش نمایند... اگر بعضی از نمایندگان که دعوت به سکوت می‌کنند سوء نیت ندارند با آنها موافقت کنید که دولت در مجلس علنی بیانات صادقانه جناب آقای تقی‌زاده را تصدیق کنند...» (نفت و نطق مکی، چاپ دوم، ص ۱۱۵-۱۱۱).

ج- در جلسه ۲۲ فروردین ۱۳۳۵ (هنگام نخست‌وزیری حسین علاء) گفته است، «... ولی آقای تقی‌زاده وزیر مالیه که مسؤولیت کار را مستقیماً و قانوناً به عهده داشت و از امور بین‌المللی هم کاملاً مطلع بود بواسطه سازش با کمپانی نفت مخالفت نمود و اعتراض نکرد که جامعه ملل در اختلافی که یک طرف آن شرکت نفت باشد نمی‌تواند دخالت کند... و اینکه جناب آقای تقی‌زاده در نطقی که در مجلس پانزدهم ایراد کرده و گفته‌اند «من شخصاً راضی به تمدید مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری درین کار یا اشتباهی بوده تقصیر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد» (البح) خلاف محض است. چون هم در جامعه ملل قرار شده بود امتیاز شرکت نفت تمدید شود و هم چند سال قبل از تمدید بر طبق مکاتباتی که با مرحوم تیمورتاش نموده‌اند از نظر کمپانی راجع به تمدید مدت مطلع بوده‌اند... بنابراین آقای تقی‌زاده خوب می‌دانستند که در الغای قرارداد مقصود این نبوده که دست کمپانی نفت کوتاه شود بلکه این بود که قرارداد تمدید شود... پیش‌بینی می‌کردم اگر دولتی روی کار بیاید که خدای ناکرده با آقای تقی‌زاده مشورت کند سازش کمپانی با یک نفر رئیس دولت سهل و میسرست...» (نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم، جلد اول دفتر دوم، ص ۱۲۵-۱۲۶).

و قدری هم افراط در رعایت ادب محتاج به جواب ندیده‌ام. خصوصاً که همه آن اظهارات همان تکرار يك افسانه بی‌اساس بوده که من ظن غرض عمدی در آنها نکرده و همیشه حمل بر اشتباه ایشان می‌کردم.

شخص وارد در سیاست عمومی مملکت خصوصاً که تجربه و سنی هم داشته باشد نباید هیچوقت از جاده تحقیق و سنجیدن دقیق مطالبی که در مقام یا مسئولیتی اظهار میکند خارج شده و از انصاف و عدالت و حقانیت انحراف بکند. خاصه در مواردی که آن اظهارات متضمن تهمتی باشد که یکی از بزرگترین معاصی است.

آقای دکتر مصدق درباره عقد امتیازنامه جدید نفت در سنه ۱۳۱۲ هجری شمسی عنواناتی را ورد زبان کرده‌اند که چون ابدأ با حقیقت مطابقت ندارد با آن اظهارات مرتکب گناه کبیره تهمت بر اشخاص بیگناه و مخصوصاً شخصی که در همه عمر ملازم تقوی بوده میشوند.

همه اظهارات ایشان و کسانی که به پیروی آن اظهارات تفسیرات بیشتری بر آن اضافه میکنند راجع باینست که امتیاز جدید نفت متضمن تمدید مدت امتیاز بود و این فقره برخلاف مصالح ایران بوده است و این کار در زمان تصدی اینجانب بوزارت مالیه وقوع یافته و امضاکننده قرارداد من بوده‌ام.

این متن ولب اصلی مطلب است و در این باب با ایشان بحثی ندارم. جز آنکه اینجانب با نهایت صداقت و راستی و بدون يك کلمه خلاف حقیقت عین ماوقع و داستان حقیقی این امر را بی‌کم و زیاد و بدون پرده‌پوشی و کنمان جزئی از کلیات و جزئیات امر علناً در مجلس شورایی بیان کرده‌ام و توضیح داده‌ام که عیب عمده آن امتیاز همان تمدید مدت بوده، و نه من و نه سایر اعضای هیأتی که در آن مذاکرات بانمایندگان شرکت نفت مساعی لازم برای استیفای حقوق بیشتری برای ایران بکار میبردند راضی به آن امر نبوده و نهایت تحاشی از آن داشتیم. ولی پس از آنکه مصدر قدرت مطلقه در آن زمان ظاهراً باندیشه عدم پیشرفت مدعای الغای امتیاز سابق در جامعه ملل مصمم بقبول امتیاز جدید حتی با قید تمدید شد کسی را از متصدیان صوری امور پارأی مقاومت و امتناع نبوده و امضاء کننده و مأمورین دیگر مذاکره و وزراء و اعضاء مجلس شورای ملی و غیرهم کلاً مسلوب‌الاختیار بودند.

این عین حقیقت است و فقط جوانان عهد جدید ممکن است از تصور وضع آن زمان قاصر باشند. ولی آنان که در آن عصر زیسته‌اند قلباً ذره‌ای شك در این مطلب ندارند.

این حقیقت را که بیان شد من عیناً در مجلس اظهار کردم و نیز گفتم که در مذاکرات امتیازنامه موضوع تمدید مدت در میان نبوده و اگر ذکر میشد موافقت در آن محال بود. ولی روز آخر رئیس شرکت نفت که از موافقت در سایر موارد با مذاکره

۱- نیز مراجعه شود به آنچه تقی‌زاده راجع به جزوه «تقی‌زاده» بقلم آقای ابراهیم صفائی گفته است و قسمتی از آن در صفحه ۳۰۰-۳۱۷ جلد سوم «مقالات تقی‌زاده» چاپ شده است.

کنندگان ایرانی مایوس شد پیش شاه رفت و اجازه حرکت و مرخصی خواست و قصدش آن بود که به‌زود برگردد و دعوی را دنبال کند. مرحوم رضا شاه مانع حرکت او شد و در حضور خود جلسه مجددی ترتیب داد و در آنجا رئیس شرکت موضوع تمدید را هم بمیان کشیده و اصرار ورزید و چون قبول نمیشد باز اجازه حرکت میخواست و عاقبت پس از آن جلسه شاه مرحوم تصمیم بر موافقت و انجام عمل کرد.

حالا مکرر دیده می‌شود که بعضی اظهار میکنند (چنانکه آقای دکتر مصدق نیز گفته‌اند) که اگر تمدید مدت در آخر امر بمیان آمد پس چطور اینجانب چند سال قبل از آن از میل کمپانی به‌تمدید مدت و استماع آن از مرحوم فیض و دیگران در مراسله خودم بمرحوم وزیر دربار ذکری کرده‌ام.

اینگونه ایراد در واقع مغالطه است. مگر من گفته‌ام تا موقع مذاکره امتیاز در طهران و روزهای آخر آن من هیچوقت کلمه تمدید را نشنیده بودم و به‌گوش من هم نخورده بود که حضرات چنان میلی دارند. حرف من راجع بموقع مذاکره امتیاز بود نه چهارسال قبل از آن و شاید اصلاً حضرات سالها قبل از آن هم یک چنین نیتی داشته‌اند و این دو اظهار هیچ نوع منافاتی باهم ندارد و یکی متضمن تکذیب دیگری نیست.

خوشبختانه مراسله مرا به مرحوم تیمورتاش آقای دکتر مصدق در نطق خود ذکر کرده و متن آنرا خوانده‌اند که صریحاً در آن ذکر شده که مخصوصاً در باب مذاکرات راجع به نفت و تمدید آن و شرایط آن و حساب‌های نفت و دلایل طرفین ومنظور هر کدام از آنها یک کلمه هم اطلاع بدست مخلص نرسید جز آنچه بطور تصادف از کسی حرفی شنیده میشد یا از تلگرافاتی که آقای فیض برای رمز کردن سفارت میفرستد و جواب آنها با رمز می‌آید و از قرائن مندرجات آنها چیزی بطور حلس و قیاس استنباط میشد. از همه آن صحبت‌های متفرقه هم که گاهی افواها از این و آن شنیده میشد چیزی جز میل احتمالی حضرت بتمدید مدت برای چند سال استنباط نمیشد.

ادعای آقای دکتر مصدق بر اینکه موضوع تمدید مدت امتیاز در جامعه ملل و در راپرت دکتر بنش مقرر شده بود اشتباه عظیم و مبنی بر بی‌اطلاعی کامل است. در آن راپرت (اگر عین اقتباس ایشان صحیح باشد) فقط خبر از توافقی داده شده که بنابر توصیه جامعه ملل برای تأخیر جلسه جامعه برای بحث در آن موضوع تا جلسه ماه مه بین طرفین بعمل آمده بود و گفته شده که اگر لازم دیده شد برای تمدید این مهلت نیز موافقت بکنند، یعنی بحث موضوع بجلسه بعد از ماه مه بماند.

هم چنین اظهار آقای دکتر مصدق مبنی بر اینکه اینجانب میدانستم مقصود از الغای قرارداد تمدید مدت آن بود، کاملاً مبنی بروهم و خطاست و من چنین منظور راهیچوقت استشمام هم نکرده بودم و چون قطعاً باینکار نمیتواند شاهدی اقامه کنند خوبست اگر یقین دارند قسم بخورند، قسمی که کیفر الهی را مستوجب باشد و من بسهم خود بمباهله حاضرم.

اما اینکه آقای دکتر مصدق در عالم افراط در وهم تصوراتی ابراز میدارند که اصلاً من از اینکار قبلاً واقف بودم و در تجدید امتیاز دخالتی داشته‌ام و میگویند مسؤلیت

آن کار با من بود و من بدخالت جامعه ملل در این امر اعتراض و مخالفت ننموده و باعث رفتن نمایندگان ایران به ژنو شدم، فقط باید بگویم که تمام این تصورات موهوماتی بیش نیست و اگرچه خوشبختانه فعلاً در این امر شاهی شریف و نجیب و راستگوی زنده داریم که دوست مشترك هر دو مان است که خدا توفیقش بدهد، لکن من برای اینکه در این غوغای پای یک دوست منزّه و صدیق را بمیان نکشم تنها خدا را فقط بشهادت میطلبم (فقط خدا را زیرا اگر شهود زنده دیگری واقف بحقیقت هم باشند شاید در مقابل این نوع حملات تهمت آمیز که بازارش رواج است جرأت ادای شهادت نخواهند کرد که لب بازکنند) که این الله ابداً و مطلقاً و اصلاً اینجانب نه از سابقاً هر تصمیم بر الغای امتیاز سابق و نه قصد تمدید مدت ادنی اطلاعی ولو یک کلمه هم نداشته‌ام و هیچگونه دخالتی در این امر امتیاز جدید مطلقاً جز سعی در استیفای حقوق بیشتری برای مملکت خود با حفظ مدت امتیاز سابق نداشته و در این منظور هم من و هم مأمورین دیگر مذاکرات جهد بی اندازه نمودیم، ولی عاقبت قضا چنان خواست که بواسطه اضافه شدن ماده تمدید مدت بر امتیاز نامه آن زحمات ممتد و عظیم خیر خواهانه هدر شد و مجبوریت و اضطرار باعث انجام آن سند گردید.

من در مجلس نیز گفتم که من مثل شهود محکمه سوگند یاد میکنم که آنچه گفته و می گویم «عین حقیقت است و تمام حقیقت است و هیچ چیزی غیر از حقیقت را منضم نیست.»

این را نیز اضافه کنم که در همان موقع شدت فوق العاده ملال خاطر ما از وقوع و انجام آن امر به آن صورت تسلیتی که بخاطر ما خطور میکرد این بود که امتیاز اولی (داری) که هنوز منقضی نشده بود و ما تا ۲۷ سال دیگر بقیه مدت آن امتیاز از شرایط مساعدتر امتیاز جدید بهره مند می شویم و در این ۲۷ سال ملت ایران آزادتر می شود و این قیود را که تحت بیم مردم از جان خود و ترس از عواقب منازعه در جامعه ملل در امتیاز نامه جدید گنجانده شده پاره و فسخ میکند و حالا دیده شد که هنوز ده سال پیش از انقضای مدت امتیاز داری بعون الله اقدام به آزادی از آن قیود بعمل می آید.

اما روایت ایشان از قول آقای علاء که من هواخواهی از حکومت نظامی کرده‌ام؟

۲- اشاره است به سخنان دکتر مصدق در جلسه ۲۲ فروردین ۱۳۳۵ هنگام نخست وزیری حسین

علاء:

«... تنها نقیصی که می توان برای ایشان شمرد این است که به نظریات آقای تقی زاده اهمیت زیاد می دهند. کما اینکه وقتی من در خصوص الغای حکومت نظامی با ایشان داخل مذاکره شدم فرمودند وقتی که مثل تقی زاده کسی با آن موافقت نموده باشد شما چطور عقیده دارید که حکومت نظامی برخلاف مصالح مملکت است و وقتی اظهارات من را نسبت به هویت آقای تقی زاده استماع نمودند مبهوت شدند و حرفی نزدند و امیدوارم که در ایشان مؤثر واقع شده باشد... ایشان مردی هستند صمیمی و راستگو. اگر اندک سوء نظری داشتند هرگز اقرار نمی کردند که در برقراری حکومت نظامی آقای تقی زاده آنطور اظهار کرده اند و ایشان به نظریات آقای تقی زاده اهمیت فوق العاده داده اند...» (نظهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم، جلد اول دفتر دوم، ص ۱۲۶-۱۲۷).

اگر صحیح باشد (با آنکه من هیچ خاطر نمی‌آید که چنین اظهاری بایشان کرده باشم) البته مقصود حکومت نظامی مطابق قانون اخیر بود، یعنی یک حکومت نظامی که دولت ضروری بداند و مجلس آن را تصویب نمایند. چنین حکومت نظامی البته غیر جایز نیست و قانون آنرا با شرایط آن مجلسین رأی داده‌اند، آن‌هم تازه هواخواهی نبوده بلکه امکان و جواز آن بوده است.

ضمناً اینهم مناسب است علاوه شود که تصور مشاوره آقای علاء با من در امور و یا دخالت و صلاح اندیشی من در کارهای ایشان نیز مثل سایر تصورات فوق آقای دکتر مصدق بکلی بی‌اساس است و اثری از آثار چنین مشاوره نمیتوان یافت. ما در مجلس سنا عهد و پیمان کردیم که در امور حکومت جدید هیچ نوع مداخله نکنیم و نه تنها از طرف اینجانب تقضی در این عهد نشده، بلکه تا آنجا که میدانم هیچیک از اعضای محترم مجلس سنا و همکاران ما هم چنین دخالتی نکرده‌اند.

اگر بعد از اظهارات صادقانه فوق که در واقع تکرار بیانی است که خود آقای دکتر مصدق نیز چندی قبل کلمه «صادقانه» بر آن اطلاق کرده‌اند باز ایشان بخواهند دنباله این مجادله و حملات ناروا و حتی تأویلات تهمت‌آمیز را بگیرند من سکوت میکنم و حکم درباره چنان گناهی را به احکام الحاکمین وامیگذارم که روش من همیشه سکوت و اجتناب از مجادله بوده است.

در خاتمه باید بگویم من هیچ نوع کینه و غرضی با شخص ایشان بغلت اشتباهات اسفانگیز ایشان پیدا نکرده و ندارم و میل دارم که همه باور کنند که این ادعا نیز صدق محض است.

سید حسن تقی‌زاده

بعدالتحریر، بنظر رسید که مزیداً للتوضیح عین عبارت و متن شرایط مندرجه در فورمول راپرت دکتر بنش را که در روز جمعه سوم ماه فوریه ۱۹۳۳ مسیحی بشورای جامعه ملل تقدیم نموده از روی تلگراف مخبر مخصوص روزنامه اطلاعات (از کتابچه اطلاعات در یکربع قرن» صفحه ۱۰۵) ذیلاً نقل شود:

«طرفین موافقت می‌کنند که کلیه مسایلی که بشوری مراجعه شده است تا جلسه آینده شوری که در ماه مه منعقد میشود معلق دارد و در ضمن حق خواهند داشت که با موافقت یکدیگر موعده مذکور در ماه مه را تمدید دهند.»

-۴-

### نظر تقی‌زاده درباره جبهه ملی

مشمول است بر سه سند: یکی نامه‌ای است از وزیر دربار (حسین علاء) به تقی‌زاده (رئیس مجلس سنا) و دیگر گزارش مأموری از اداره تبلیغات که بعنوان راهنما همراه خبرنگار امریکایی به ملاقات تقی‌زاده می‌رود و بالاخره نامه تقی‌زاده به وزیر دربار. این سه نوشته مربوط است به مصاحبه‌ای که تقی‌زاده در ۲۷ مهرماه ۱۳۴۰ با مخبر

روزنامه نیویورک تایمز می‌کند و نماینده اداره انتشارات و رادیو در آنجا به‌عنوان راهنما حضور داشته و شنیده‌های خود را به‌اداره متبوع گزارش کرده و از آنجا به دربار فرستاده شده بوده و مآلاً به‌اطلاع شاه رسیده است و چون شاه نسبت به‌مطلبی از آن اظهار تعجب می‌کند وزیر دربار از تقی‌زاده که در آن وقت رئیس مجلس سنا بود پرسشی می‌کند و تقی‌زاده جوابی بدو می‌فرستد که سندی است خواندنی و عبرت‌انگیز. سند مهم جواب تقی‌زاده است که در آن آزاد نبودن انتخابات را (بجز دوره‌های اول و دوم) تأیید و نظر خود را نسبت به‌جبهه ملی (که در آن اوقات فعالیت دوره دوم خود را شروع کرده بود) بیان کرده است، یعنی مطلبی که وقوف بر آن خالی از فایده برای محققان تاریخ دوره اخیر نیست. ضمناً در پایان نامه بطور تلویحی حضور نماینده اداره انتشارات را مورد سرزنش قرار داده است. این جواب گویای رویه‌ای است که طبعاً نسبت به همه اعضای قوه مقننه مجرا می‌شده و هر چیزی و سخنی مورد نظارت تام و تمام بوده است. وقتی در مورد تقی‌زاده چنین میشده است نسبت به‌دیگران چه شدت عمل‌ها که نمیشده. اینک متن سه نوشته نقل می‌شود. و ناگفته نگذرم این سه سند را در بهار ۱۳۵۸ بمناسبتی دیگر و منظوری دیگر و با اسنادی دیگر که مربوط به‌دوره رضا شاه بود در مجله نگین به‌چاپ رسانیده‌ام.

\*\*\*



### دربار شاهنشاهی

شماره ۴۰۷

تاریخ ۱۳۴۰/۸/۱۰

پوست

محرمانه

جناب آقای تقی زاده

گزارش شماره ۸۴۴۲ / ط ۱ / ۲۶۰۱ / مورخ ۴۰ / ۸ / ۶  
 اداره کل انتشارات و رادیو متضمن شرح ملاقات و مصاحبه  
 آقای هاریسون سالیسبری Harrison Salisbury با  
 جنابعالی بشرق مرض مبارک ملوکانه رسید .

شاهنشاه از بیانات جنابعالی نسبت به "جبهه ملی"  
 اظهار تعجب فرمودند . رونوشت گزارش مزبور به پیوست  
 ارسال میگردد . خواهشمند است آنرا ملاحظه فرموده  
 اعلام فرمائید آیا با اظهارات جنابعالی کاملاً مطابق است

وزیر دربار شاهنشاهی

گزارش راهنمای آقای هاریسون سالیسبوری در قسمتی که ناظر به ملاقات او با تقی‌زاده است.

محترماً گزارش ملاقات و مصاحبه آقای هاریسون سالیسبوری مفسر نیویورک‌تایمز را با جناب آقای سیدحسن تقی‌زاده و همچنین مسافرت پنج روزه ایشان را باصفهان و شیراز بعرض میرساند:

طبق تقاضای قبلی آقای سالیسبوری ساعت ۱۱ روز ۲۷ و ۲۸ ۴۵۰۰۰۰ مشارالیه را بمنزل جناب آقای تقی‌زاده واقع در دروس راهنمایی نمودم. ابتدا آقای تقی‌زاده ضمن طرح سؤالاتی با آقای سالیسبوری آشنائی بیشتر پیدا کرده سپس از اینکه ایشان بایران آمده و حقایق اوضاع را از نزدیک مشاهده میکنند اظهار خوشوقتی نمودند. پس از اندکی صحبت در موضوعات عادی از قبیل آب و هوا و غیره از انتخابات صحبت بمیان آمد. آقای تقی‌زاده ضمن یادآوری هائی از انتخابات گذشته گفتند که اصولاً در ایران انتخابات بتمام معنی آزاد آنطوریکه در امریکا معمول است هرگز بعمل نیامده و مردم تاکنون هیچگاه آنطور که شایسته است از انتخابات استقبال نکرده‌اند و علت عمده آنستکه نسبت به انتخابات خوشبین نیستند.

آقای تقی‌زاده نظرات عده‌ای را که میگویند «در صورت آزادی کامل ممکن است دست‌چپیها موفق گردند لذا انتخابات نمیتواند در ایران آزاد باشد» رد کرده و گفتند فرض کنیم ضمن یک انتخابات آزاد عده معدودی مثلاً چهار یا پنج نفر توده‌ای انتخاب شوند. این عده کاری از پیش نخواهند برد. زیرا اکثریت چنین مجلسی را میهن‌پرستان و ملیون تشکیل خواهند داد و جلو افراط‌کاری و اظهار وجود چند نفر معدود خود بخود بسته خواهد شد. وقتی از رویه دولت آقای دکتر امینی نسبت بامر انتخابات صحبت شد آقای تقی‌زاده گفتند که نسبت به آن خوشبین نیستند. صحبت به جبهه ملی کشیده شد و آقای تقی‌زاده تأیید کردند که دکتر مصدق پیر شده و کنار رفته و شاید هم کنار برده شده است و در هر حال عده‌ای از اسم و شهرت او استفاده کرده و خود را نماینده گروهی از مردم ایران میدانند. شاید حق با ایشان باشد و دربین ایشان عده‌ای اساتید دانشگاه تهران هستند که این جنبش را اداره میکنند و در عده‌ای از دانشجویان نفوذ دارند.

آقای تقی‌زاده تأیید کردند که این عده مصدقی بهیچ وجه با توده‌ایها یعنی کمونیستها روی خوشی ندارند. ولی تعدادی مخالف دارند که ایشانرا به داشتن تمایلات چپی متهم مینمایند. آقای تقی‌زاده این اتهام را نیز رد کرده و جبهه مصدقی‌ها را صد درصد جبهه ملی با تمایلات شدید ناسیونالیستی دانستند.

آقای تقی‌زاده شخص اول مملکت را بسیار وارد در امور و دموکرات و آزادی خواه دانستند، ولی اضافه نمودند که همه اطرافیان شخص اول مملکت ممکن است اشخاص صالحی نباشند و بخواهند بعضی از امور و احساسات مردم را نزد ایشان وارونه جلوه دهند. آقای تقی‌زاده خواست و تمایل رئیس مملکت را برای اصلاح امور و از بین بردن





## اداره کل انتشارات و روابط

### گزارش راهنمایی آقای هاریسون سالیسبوری

محترماً گزارش ملاقات و مصاحبه آقای هاریسون سالیسبوری مفسر نیویورک تایمز را با جناب آقای سید حسن تقی زاده و همچنین مسافرت پنج روزه ایشان را با صفهان و شیراز بعرض میرساند :

طبق تقاضای قبلی آقای سالیسبوری ساعت ۱۱ روز ۲۷/۷/۴۰ مشارالیه را بمنزل جناب آقای تقی زاده واقع در دروس راهنمایی نمودم. ابتدا آقای تقی زاده ضمن طرح سئوالاتی با آقای سالیسبوری آشنائی بیشتر پیدا کرد سپس از اینکه ایشان بایران آمده و حقایق اوضاع را از نزدیک مشاهده میکنند اظهار خوشوقتی نمودند. پس از آنکه کی صحبت در موضوعات عادی از قبیل آب و هوا و غیره از انتخابات صحبت بعیان آمد. آقای تقی زاده ضمن یادآوری هائی از انتخابات گذشته گفتند که اصولاً در ایران انتخابات بتمام معنی آزاد آنطوریکه در امریکا معمول است هرگز بعمل نیامده و مردم تاکنون هیچگاه آنطور که شایسته است از انتخابات استقبال نکردند و علت عمد آنستکه نسبت به انتخابات خوش بین نیستند.

آقای تقی زاده نظرات عده ای را که میگویند در صورت آزادی کامل ممکن است دست چپی ها موفق گردند لذا انتخابات نمیتواند در ایران آزاد باشد رد کرده و گفتند فرنگییم ضمن یک انتخابات آزاد عده معدودی مثل چهار یا پنج نفر توده ای انتخاب شوند این عده کاری از پیش نخواهند برد. زیرا اکثریت چنین مجلسی را میهن پرستان و ملیون تشکیل خواهند داد و جلو افراط کاری و اظهار وجود چند نفر معدود خود بخود بسته خواهد شد. وقتی از رویه دولت آقای دکتر امینی نسبت بامر انتخابات صحبت شد آقای تقی زاده گفتند که نسبت بان خوش بین نیستند. صحبت به جبهه ملی کشیده شد و آقای تقی زاده تأیید

مشکلات تأیید نمودند. ولی گفتند که در اجرای این نظرات سعی لازم بعمل نمی‌آید. وقتی آقای سالیسبوری از احساسات اهالی شهرستانها و نقاط دور از تهران نسبت به شاهنشاه سؤال کرد آقای تقی‌زاده جواب دادند «خودت بروی و بینی و با ایشان صحبت کنی و از افراد در این باره سؤال نمائی بهتر است تا من اینچاجوابی بدهم.» وقتی از نظرات مردم نسبت بدولت امریکا و کمک آن دولت سؤال شد آقای تقی‌زاده تأکید نمودند که در ایران حتی یک نفر نیست که از دادن کمک امریکا بایران گله و شکایت کند همه از این کمکها ممنون و متشکرند و قدردانی مینمایند. منتهی تمام شکایات و گله‌ها در طرز استفاده از این کمک و نحوه خرج آنست. ایشان گفتند که در ایران عده‌ای هستند که عقیده دارند کمکهای امریکا در راه صواب خرج نمیشود و مقداری از آن پایمال میگردد.

در باره پیمانهای دفاعی بغداد و پس از آن سنتو و تز بی طرفی سؤال شد آقای تقی‌زاده گفتند در ایران از همان ابتدا همیشه عده‌ای بوده‌اند که از شرکت در هر گونه پیمانی با خارجی‌ها دل خوشی نداشتند و عده‌ای هم هستند که طرفدار رویه بی طرفی مانند رویه هندوستان هستند و آنرا روشی ایده‌آل برای ایران میدانند. مع هذا گفتند شاید بیشتر گله‌ها از قرارداد دوجانبه ایران و امریکا ناشی شده باشد... (دنباله گزارش ارتباطی به تقی‌زاده و این مباحث ندارد).

\*\*\*

### جواب تقی‌زاده به نامه وزارت دربار

جناب آقای علاء وزیر محترم دربار

با اشعار وصول مرقومه مورخه ۱۵ آبان جاری مبنی بر استفسار حقیقت اظهاراتی که یکی از اعضای اداره اطلاعات باینجناب اسناد داده بود بضمیمه سوادى از گزارش آن شخص در باب فعالیت چند روزه آقای هاریسون سالیسبوری مخبر نیویورک تایمز در ایران اجمالا معروض میدارد که گزارش شخص مزبور را ملاحظه کردم و متأسفانه دیدم که این گزارش شاید بواسطه نقص حافظه مشارالیه که صحبت را که بزبان انگلیسی بود کاملاً ضبط نتوانسته بکند کاملاً مطابق واقع نیست و دارای اشتباهاتی بود که به بعضی از آنها ذیلاً اشاره می‌کنم:

اینکه نوشته است فلانی گفت که نسبت بروش دکتر امینی در باب انتخابات خوش بین نیست صحیح نیست. اینجناب مانند همیشه گفته‌ام تأخیر اجرای انتخابات اگر برای ترتیب طرحی برای آزادی و صحت کامل انتخابات باشد شاید فی حد ذاته (ولو آنکه شاید با منطوق قانون اساسی موافقت کامل نداشته باشد) قابل ملامت نیست. ولی اگر این منظور بعمل نمی‌آید یا تأخیر برای تأمین آن نباشد (چنانکه عقیده غالب بین مردم حقا یا بخطا چنین است) تأخیر جایز نیست. در با ب آزادی انتخابات آنچه آن شخص خبر داده تماماً صحیح نیست. من هیچ وقت نگفتم که اصولاً در ایران انتخابات به تمام معنی آزاد هرگز بعمل نیامده، زیرا که اولین و دومین مجلس شورای ملی و تاحدی

جناب آقای علاء وزیر محترم دربار

آنکه بزبان انگلیسی بود

بامشعار و اصول بر قوه / نو مراد ۱۰ آبان جاری

صفت استقامت آنها را آنکه  
ایضا از راه اطلاع با این نهاد داد بود  
ایضا از راه اطلاع با این نهاد داد بود  
ایضا از راه اطلاع با این نهاد داد بود

آنکه نویسنده است ظلماتی گفت که نسبت بردن اگر استی در باب انتخابات خوشتر است

اصح نیست اینها نمیدانند گفتند ام تا فرای انتخابات کرد و آقا برای ترتیب طری  
زادری و صحت کامل انتخابات است (ملاحظه شود) که در این باره با مصلحت قانون اساسی موافقت  
نماید (باید) قابل ملاحظه نیست ولی اگر منظر بجز غیای با تأثیر برای ما و آن نامشروع (چنانکه

کتاب بین مردم حقاً یا جفا چنین است) اما نیز نیست در باب آزادی انتخابات آنچه آن  
ار. تماماً صحیح نیست من هیچ وقت نگفته ام که "اصولاً در ایران انتخابات تمام معنی آزاد  
نیست" زیرا که اولین و دومین مجلس شورای ملی و ساجدهای مجلس سوم آزاد بودند و انتخاباتی نبود و  
تبعاً بطل می آمد. من نگفته ام که "مردم هیچگاه آنطور که شاید است از انتخابات استقبال نکردند"

ند. البته نسبت با انتخابات خوشتر نیستند "در صورتیکه مردم استقبال از داد دارند و اگر انتخابات  
برخلاف حال روزی آزاد شود استقبال عمومی چندین بار مضاعف میشود ولی فعلاً بوسیله آنکه آزاد  
ست که آزاد نبود مردم خوشتر است و امیدوار نیستند و نیز من نگفته ام که از رویه آقای دکتر استی خوشتر است

بسیار به جهت ملی آنچه نوشته اند در این باره است من بطور کلی در باب همه آنها نگفته ام که "صدر صدیک  
با تمام بیلا شده تا کسی با کسی هستند" و اصلاً همه وحی دیگر آنها را شگفتانی ششم فقط گفتم که  
کامل گویید ندانند و بعضی کار را می دانم که از آن جنبه دورند ولی البته افراد مختلف و متفاوت را  
بعضی عناصر اخلاقی در میان آنها دارند و اینها شده ولی گمان نمیکنم گویید باشند

بجز اینم و به این گویید تا بنده این منظر افغانی شکل نیست بسیاری از آن جمع را جلب کرده و برای

انتخابات مجلس سوم و هم چنین انتخابات دوره اول مجلس سنا کاملاً آزاد بوده و انتصابی نبود و با رأی ملت بعمل می‌آمد. من نگفتم که مردم هیچگاه آنطور که شایسته است از انتخابات استقبال نکرده‌اند و علت عمده آنستکه نسبت با انتخابات خوش‌بین نیستند در صورتیکه مردم استقبال زیاد دارند، و اگر انتخابات بر فرض محال روزی آزاد شود استقبال عمومی چندین‌بار مضاعف میشود. ولی فعلاً به واسطه اینکه آزاد نیست و مدتی است که آزاد نبوده مردم خوش‌بین و امیدوار نیستند و نیز من نگفتم که از رویه آقای دکتر امینی خوش‌بین نیستم.

راجع به جبهه ملی آنچه نوشته‌اند دارای اشتباه است. من بطور کلی در باب همه آنها نگفتم که «صد درصد یک جبهه ملی با تمایلات شدید ناسیونالیستی هستند» و اصلاً همه و حتی اکثر آنها را شخصاً نمی‌شناسم. فقط گفتم که همه آنها تمایل کمونیستی ندارند و بعضی‌ها را میدانم که از آن جنبه دورند، ولی البته افراد مختلف و متفاوت دارند و ممکنست بعضی عناصر افراطی در میان آنها وارد شده باشند ولی گمان نمیکنم کمونیست باشند. البته صلاح نیست که این تندروان کم تجربه و خارج از اعتدال و گاهی غیر عاقل راهم دستی دستی کمونیست بخوانیم و بدامن کمونیستها بیندازیم. بنظر اینجانب مشکل نیست بسیاری از آن جمع را جلب کرده و براه موافقت و صلح آورد و هدایت کرد که البته این روش نتیجه بهتری از شدت و خصومت با آنها تواند داشت.

آنچه من آنجا و همه‌جا و بکرات و صد مرتبه گفتم و هنوز بطور قطع و جزم این عقیده را دارم و در مواقع مختلف سه‌چهار بار حضوراً و مستقیماً بحضور همایونی عرض کرده‌ام اینست که خوبست که محض امتحان هم باشد ولو اقلاً یکبار بگذارند انتخابات انجمن بلدی آزاد آزاد و از جانب ملت بعمل آید تا معلوم گردد که آیا عناصری کمونیست و افراطی (نه تندرو جاهل که احتراز پذیر کامل نیست) بعداً معتدبه‌وارد میشود یا نه و اگر وارد شدند بدون هیچ سروصدا و زحمتی وزارت کشور می‌تواند آن انجمن را منحل و انتخابات را تجدید کند و اگر نتیجه آن ورود عناصر اشتراکی فساد انگیز نشد آنوقت بگذارند مجلسین هم بهمان قرار (البته با شرط سواد در انتخاب کنندگان) انتخاب شوند. در اظهار ارادت خالصانه و اعتقاد به خوش‌نیتی اعلیحضرت همایونی تصور نکرده و آنچه عقیده داشتم بی‌غرضانه گفتم.

در خاتمه میخواهم عرض کنم که بنظر اینجانب آقای سالیسبوری بالنسبه شخص فهمیده و پخته‌ای آمد و تصور میکنم بهتر باشد اینگونه اشخاص را بگذارند آزادانه و به‌تنهائی بین مردم از هر طبقه رفته و کسب اطلاع کنند که یقین دارم نتیجه آن نسبت بمقام عالی شخص رئیس مملکت حسن‌عقیدت عامه باشد و ضمناً برای آمریکائیها هم قابل اعتماد بوده و تصور نشود مذاکرات او با مردم تحت کنترل بوده و آزادانه نبوده است.